

نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران اسال دهم، شماره ۲۰، پاییز و زمستان ۱۳۹۴-۹۹-۷۰

جهت‌گیری ارزشی مادی گرایانه - فرامادی گرایانه و زمان‌بندی ازدواج (مطالعه موردی: مردان و زنان در شرف ازدواج استان کهگیلویه و بویراحمد)

محمد میرزایی^۱

فرزاد قربانی^۲

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، بررسی تاثیر جهت‌گیری ارزشی بر زمان‌بندی ازدواج در استان کهگیلویه و بویراحمد است. جامعه آماری در این تحقیق پیمایشی، افراد در شرف ازدواجی است که جهت انجام آزمایشات پزشکی قبل از ازدواج به مراکز بهداشتی در سطح استان کهگیلویه و بویراحمد مراجعه می‌کردند. چارچوب نظری این پژوهش برگرفته از نظریه تحول فرهنگی و ارزشی اینگلهارت است. نتایج نشان داد که تغییرات ارزشی اثر معناداری بر زمان‌بندی ازدواج هر دو جنس دارد. در بین متغیرهای زمینه‌ای، هر چهار متغیر یعنی تحصیلات، وضعیت اشتغال، محل سکونت و وضعیت اقتصادی-اجتماعی رابطه معناداری با زمان‌بندی ازدواج زنان دارند. ولی برای مردان، فقط متغیر وضعیت اشتغال رابطه معناداری با زمان‌بندی ازدواج دارد. نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره نشان می‌دهد که برای زنان، با کنترل سایر متغیرها، متغیرهای تحصیلات، وضعیت اشتغال و جهت‌گیری ارزشی، و برای مردان، متغیرهای جهت‌گیری ارزشی و وضعیت اشتغال، همچنان اثر معنادار

۱ استاد جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران، mmirzaie@ut.ac.ir

۲ کارشناس ارشد جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران، f.ghorbani69@ut.ac.ir

خود را حفظ کرده‌اند. برای حل مساله ازدواج و تغییر زمان‌بندی آن، سیاستگذاران، ضمن فراهم کردن شرایط ساختاری برای ازدواج جوانان، باید به دنبال راهکارهایی جهت تغییر نگرش‌های منفی افراد نسبت به ازدواج باشند نگرش‌هایی که ازدواج در سنین پایین‌تر را مانعی بر سر راه پیشرفت خود می‌دانند.

واژگان کلیدی: جهت‌گیری ارزشی، زمان‌بندی ازدواج، ارزش‌های مادی‌گرایانه، ارزش‌های فرامادی‌گرایانه، اینگلهارت، کهگیلویه و بویراحمد

مقدمه و بیان مسأله

در سال‌های اخیر، پدیده ازدواج که منشا وقوع ولادت و باروری و به عنوان عامل بسیار موثر بر ساخت سنی و جنسی جمعیت و افزایش آن محسوب می‌شود، در کشور ما دستخوش تحولات قابل توجهی شده است. ازدیاد جمعیت دختر و پسر واقع در مدار ازدواج که بیش از یک سوم جمعیت کشور را تشکیل داده‌اند و حاصل افزایش شدید موالید دهه ۶۰ می‌باشند از یک سو، و تحولات واقع شده در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جامعه، نظیر افزایش شهرنشینی و باسوادی و به ویژه تحصیلات زنان، و تمایل به کسب درآمد و شغل مناسب در قبل از ازدواج، از سوی دیگر، افزایش سن ازدواج در کشور را برای دولتمردان و جامعه محققین نگران‌کننده کرده است (کاظمی پور، ۱۳۸۴: ۱۰۷). شواهد حاکی از آن است که میانگین سن زنان در اولین ازدواج از ۱۹/۹ سال در ۱۳۶۵ به ۲۳/۰ سال در سال ۱۳۹۵ و برای مردان در همین دوره از ۲۳/۸ سال به ۲۷/۴ سال رسیده است. به عبارتی طی ۳۰ سال، میانگین سن اولین ازدواج مردان، حدود ۳/۵ سال افزایش داشته، در حالی که این میانگین برای زنان حدود ۳ سال افزایش داشته است. بر همین اساس، بهنام (۱۳۸۴: ۲۵) تغییرات خانواده و ازدواج را یکی از مسائل دنیای امروز می‌داند. تفاوت‌های بین فرهنگی در اجتماعات انسانی سبب شده است تا این تغییرات و تحولات ماهیت نسبتاً متفاوتی داشته باشند. اندازه تغییرات و تعیین‌کننده‌های آن نه تنها از یک کشور به کشور دیگر، بلکه در مناطق مختلف یک کشور نیز متفاوت است و از آنجا که نقش قومیت در الگوهای ازدواج در تحقیقات دیگر (عباسی شوازی و صادقی ۱۳۸۴،

عباسی شوازی و تراپی ۱۳۸۵، محمودیان ۱۳۸۳، کنعانی ۱۳۸۵، تراپی و باسک هیبری^۱ ۲۰۱۰، زناس و گالتینو^۲ ۱۹۹۲، مالهورا و تاسی^۳ ۱۹۹۶، پالمور^۴ ۱۹۸۳، مین^۵ ۱۹۹۷) به اثبات رسیده است لذا در این پژوهش، استان کهگیلویه و بویراحمد که به لحاظ قومیتی اکثریت لر هستند مورد مطالعه قرار گرفته است. شواهد نشان می‌دهد جامعه مورد مطالعه ما یعنی استان کهگیلویه و بویراحمد، از تحولات مذکور رخ داده در کل ایران مستثنی نبوده است. متوسط سن ازدواج در استان، طی ربع قرن اخیر افزایش محسوسی داشته است. طبق جدول ۲، میانگین سن ازدواج طی سالهای ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۵ برای مردان از ۲۱/۹ به ۲۸/۹ سال و برای زنان از ۱۷/۳ به ۲۵/۲ سال افزایش داشته است. به عبارتی در طی این دوره ۳۰ ساله، سن ازدواج مردان و زنان به ترتیب ۷ و ۸ سال افزایش داشته است که این میزان‌ها نشان می‌دهد که سن ازدواج در استان کهگیلویه و بویراحمد با سرعت بیشتری نسبت به کل کشور در حال افزایش است.

جدول ۱. میانگین سن در اولین ازدواج در ایران به تفکیک جنس، مناطق شهری و روستایی: ۱۳۶۵-۹۵

سال	کل		شهری		روستایی	
	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن
۱۳۶۵	۲۳٫۸	۱۹٫۹	۲۴٫۴	۲۰٫۲	۲۲٫۸	۱۹٫۶
۱۳۷۰	۲۴٫۴	۲۰٫۹	۲۴٫۹	۲۱٫۱	۲۳٫۵	۲۰٫۸
۱۳۷۵	۲۵٫۶	۲۲٫۴	۲۶٫۲	۲۲٫۵	۲۴٫۶	۲۲٫۳
۱۳۸۵	۲۶٫۲	۲۳٫۳	۲۶٫۵	۲۳٫۳	۲۵٫۵	۲۳٫۴
۱۳۹۰	۲۶٫۷	۲۳٫۴	۲۷٫۱	۲۳٫۶	۲۵٫۸	۲۳٫۰
۱۳۹۵	۲۷٫۴	۲۳٫۰	۲۷٫۸	۲۳٫۴	۲۶٫۵	۲۲٫۰

ماخذ: نتایج تفصیلی سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن کل کشور: ۱۳۶۵-۹۵

1 Baschieri
 2 Xenos and Gultiano
 3 Malhotra & -Tusi
 4 Palmor
 5 Minh

جدول ۲. میانگین سن در اولین ازدواج در استان کهگیلویه و بویراحمد ۹۵-۱۳۶۵

سال	کل		شهری		روستایی	
	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن
۱۳۶۵	۲۱,۹۲	۱۷,۳۹	۲۲,۹۳	۱۸,۲۳	۲۱,۳۰	۱۷,۰
۱۳۷۰	۲۳,۱۷	۱۹,۲۶	۲۴,۱۶	۱۹,۷۱	۲۲,۶۸	۱۹,۰۲
۱۳۷۵	۲۴,۸۲	۲۱,۴۶	۲۵,۷۲	۲۱,۹۶	۲۴,۱۳	۲۱,۱۰
۱۳۸۵	۲۷,۲۳	۲۴,۳۶	۲۷,۵۲	۲۴,۲۱	۲۶,۹۳	۲۴,۴۸
۱۳۹۰	۲۷,۹	۲۵,۲	۲۸,۱	۲۵,۱	۲۷,۶	۲۵,۳
۱۳۹۵	۲۸,۹	۲۵,۲	۲۹,۱	۲۵,۳	۲۸,۷	۲۵,۱

ماخذ: نتایج تفصیلی سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن کل کشور: ۹۵-۱۳۶۵

علیرغم اهمیت تغییرات ساختاری در تبیین تحولات ازدواج و خانواده، مطالعات مختلف بویژه در جوامع آسیایی نشان می‌دهد که چارچوب نوسازی و تغییرات ساختاری مرتبط با آن برای درک و تبیین فرایند ازدواج کافی نیست (ساندارام^۱، ۲۰۰۵) و در این زمینه باید نقش عوامل ارزشی و فرهنگی و تغییرات آنها را نیز در نظر گرفت. تغییر و تحولات فرهنگی طی دهه‌های اخیر در ایران به طور خاص پس از انقلاب اسلامی، نشان از تحول اساسی در ساختار نظام ارزشی دارد. وقوع تحولات و تغییرات فرهنگی - اجتماعی ناشی از تغییر و جابجایی در زمینه‌های جمعیتی و ساختاری در جامعه است. مطالعه تحولات ارزشی روشی برای شناخت تحولات اجتماعی عمده است که براساس آن می‌توان اذعان داشت که جریان تحولات آینده در جامعه چگونه است. اینگلهارت، خیزش فرامادیگری را یکی از جنبه‌های فراگرد گسترده‌تر دگرگونی فرهنگی و ارزشی می‌داند که به گرایش‌های سیاسی و مذهبی و هنجارهای جنسیتی و خانوادگی، شکل نوینی بخشیده است. محقق در این پژوهش، قصد دارد نقش خیزش فرامادیگری را به عنوان یک تغییر فرهنگی و ارزشی بر زمان‌بندی ازدواج در استان کهگیلویه و بویر احمد، توصیف و بررسی کند.

پیشینه تجربی و نظری

مطالعه چگونگی تاثیر تحولات اجتماعی و فرهنگی بر تغییرات زمان‌بندی ازدواج، یکی از موضوعات مهم و مورد علاقه برای محققین اجتماعی بوده است. با این حال تغییرات اجتماعی ممکن است در سطوح مختلفی رخ دهد و بر زمان‌بندی ازدواج تاثیرگذار باشد. رویکردهای و تبیین‌های نظری در زمینه تغییرات ازدواج و خانواده را می‌توان در دو گروه تقسیم بندی کرد: ۱. تبیین‌های ساختاری که تاکید بیشتری بر نقش تغییرات ساختاری جوامع در تبیین تغییرات خانواده و ازدواج دارند. ۲. تبیین‌های ایده‌ای و ارزشی که بیشتر بر نقش عوامل فرهنگی و تغییر ایده‌ها در تبیین دگرگونی‌های خانواده و ازدواج تاکید می‌کنند.

در تحلیل تحولات خانواده آن دسته از دیدگاه‌های نظری که بر تغییر ساختار اجتماعی و اقتصادی جامعه به عنوان یکی از عوامل تغییرات خانواده تاکید نموده‌اند تحت عنوان تئوری‌های ساختاری شناخته می‌شوند. تئوری مدرنیزاسیون یا نظریه همگرایی خانواده یکی از دیدگاه‌های مطرح در این رویکرد است. از میان عمده‌ترین عوامل مورد تاکید در این دسته تبیین‌ها، تجدید ساختار جوامع از طریق صنعتی شدن، شهرنشینی، رشد آگاهی و تحصیلات، توسعه ارتباطات و گسترش رسانه‌های جمعی قابل ذکر است (گود^۱؛ ۱۹۶۳). به عقیده طرفداران این نظریه، فرایند نوسازی، یک نوع شیوه زندگی و فکری را به وجود می‌آورد که سرنوشت گرایي و خانواده‌گرایی را تضعیف کرده و آینده‌نگری و آرزوی داشتن یک زندگی مرفه‌تر را در انسان تقویت می‌کند. در مطالعات متعددی که در زمینه زمان‌بندی ازدواج انجام گرفته بر این مفاهیم از جمله وضعیت اشتغال، سطح تحصیلات، وضعیت اقتصادی اجتماعی، گسترش وسایل ارتباط جمعی و شهرنشینی و ... تاکید شده است. در این بررسی‌ها تاثیر اشتغال بر تاخیر ازدواج تایید شده است (حسینی و گراوند ۱۳۹۲، محمودیانی گیلان ۱۳۹۲، بحیرایی ۱۳۹۱، زارعی ۱۳۸۸، زهانگیر^۲ و همکاران ۲۰۰۸، مالهوترا و تاسی ۱۹۹۶). این مطالعات نشان دادند که شاغل شدن بخصوص برای دختران از اصلی‌ترین دلایل تاخیر ازدواج محسوب میشود اصلی‌ترین توجیه برای این رابطه بحث مستقل شدن دختران می‌باشد. تقریباً تمامی مطالعات انجام گرفته در زمینه سن

1 Good

2 Zahangir

ازدواج، از رابطه قوی بین سطح تحصیلات افراد و سن ازدواج شان حکایت دارند (مالهوترا و تاسی؛ ۱۹۹۶، تورنتون^۱؛ ۲۰۰۶، فورمن^۲؛ ۲۰۱۱، زهانگیر و همکاران؛ ۲۰۰۸، کاظمی و نیازی؛ ۱۳۸۹، زارعی؛ ۱۳۸۸، محمودیانی گیلان؛ ۱۳۹۲، حبیب پور و غفاری؛ ۱۳۹۰، سرایی؛ ۱۳۸۵). این مطالعات نشان دادند که تحصیلات باعث تغییرات عدیده‌ای در سبک زندگی و الگوهای زندگی افراد گذاشته است و افراد دارای تحصیلات بالاتر دیدگاه متفاوتی نسبت به ازدواج و زمان ازدواج دارند در نتیجه با افزایش تحصیلات، سن ازدواج افزایش می‌یابد. مطالعات قبلی همچنین نشان دادند که محل سکونت اثر معناداری بر سن ازدواج داشته است (سرایی؛ ۱۳۸۵، زارعی؛ ۱۳۸۸، میترا^۳؛ ۲۰۰۴) این مطالعات نشان دادند که شهرنشینان سن ازدواج بالاتری نسبت به روستائینان دارند. گسترش وسایل ارتباط جمعی یکی دیگر از مهمترین متغیرهای ساختاری است که تاثیر آن بر سن ازدواج معنادار بوده است (کاظمی و نیازی؛ ۱۳۸۹، میترا؛ ۲۰۰۴، تورنتون؛ ۲۰۰۶). رابطه طبقه و وضعیت اقتصادی - اجتماعی و سن ازدواج همچنین توسط مطالعاتی تایید شده است (حسینی و گراوند؛ ۱۳۹۲، محمودیانی گیلان؛ ۱۳۹۲، زهانگیر و همکاران؛ ۲۰۰۸، همیلتون و سیون؛ ۲۰۰۷).

برخلاف تبیین‌های ساختاری، دسته‌ای دیگر از تبیین‌ها، از نقش تغییرات فرهنگی و عوامل نگرشی در تغییر رفتارها و ایده‌آل‌ها (نظیر رشد فردگرایی و سکولاریزم و اشاعه ایده‌ها و ارزش‌های غربی) به عنوان یکی از مولفه‌های مهم تغییرات خانواده و ازدواج دفاع می‌کند در واقع تبیین‌های نگرشی اهمیت بیشتری برای نقش بالقوه مهم تغییر ایده‌ها و گرایش‌های فرهنگی قائلند که در تعامل با عوامل ساختاری منجر به ایجاد تغییراتی در خانواده و ازدواج می‌شوند. آمانگرایی توسعه‌ای، دینداری و فرامادیگری از جمله متغیرهای ایده‌ای و ارزشی هستند که در مطالعات مربوط به ازدواج مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در این مطالعات تاثیر آمانگرایی توسعه‌ای بر تاخیر سن ازدواج معنادار بوده است (کاظمی و نیازی؛ ۱۳۸۹، کاظمی؛ ۱۳۸۹، میترا؛ ۲۰۰۴، تورنتون و همکارانش؛ ۲۰۰۶). دینداری یکی دیگر از متغیرهای ایده‌ای است که تاثیر آن بر سن ازدواج مورد تایید قرار گرفته است (سرایی و اوجاقلو؛ ۱۳۹۲). تاثیر ارزش‌های فرامادیگری بر

1 Thornton

2 Forman

3 Mitra

تغییرات ازدواج نیز در مطالعه کاظمی و نیازی (۱۳۸۹) تایید شده است. در این مطالعه که با عنوان «بررسی تاثیر عوامل فرهنگی بر الگوی ازدواج» که به شیوه پیمایش و با کمک پرسشنامه روی ۴۰۰ نفر از جمعیت ۱۷-۵۰ ساله شهر شیراز انجام گرفته است به تاثیر عواملی چون تغییرات ارزشی و آمانگرایی توسعه‌ای و وسایل ارتباط جمعی بر الگوهای ازدواج که (سن مطلوب ازدواج و نگرش به طلاق و مطلوبیت ازدواج و نحوه انتخاب همسر) پرداختند. نتایج نشان داد که هر چه از طرف افراد با ارزش‌های مادی به سمت افراد با ارزش‌های فرامادی می‌رویم الگوهای ازدواج مدرن‌تر می‌شود.

با مرور تحقیقات پیشین در رابطه با تحقیقات انجام گرفته در زمینه رابطه متغیرهای مستقل و وابسته یعنی متغیرهای جهت‌گیری ارزشی و تاخیر سن ازدواج و همچنین با توجه به خلاء تحقیقاتی موجود در این زمینه، محقق در تلاش است تا با استفاده از تئوری اینگلهارت، تاثیر جهت‌گیری ارزشی را بر سن ازدواج افراد در شرف ازدواج مورد بررسی قرار دهد.

نظریه تحول فرهنگی و ارزشی از مهمترین تبیین‌های ایده‌ای و نگرشی است که به دنبال فهم چرایی و چگونگی تغییر و تحولات فرهنگی و ارزش‌ها و نگرش‌های جوامع است. این نظریه، دارای دو فرضیه پیش‌بینی‌کننده است که دگرگونی ارزش‌ها را تبیین میکند. ۱. فرضیه کمپابی: که براساس آن اولویت‌های فرد بازتاب محیط اجتماعی و اقتصادی اوست و فرد بیشترین ارزش را برای چیزهایی قائل است که عرضه آنها کم است. ۲. فرضیه اجتماعی شدن: این اصل مبتنی بر این قضیه است که ارزش‌های اساسی فرد، منعکس‌کننده شرایط و فرایند جامعه‌پذیری وی است که در سالهای قبل از بلوغ تجربه کرده است. بنابراین فرضیه کمپابی به تغییرات کوتاه مدت با آثار دوره‌ای اشاره دارد، دوره‌های رونق اقتصادی به افزایش فرامادی‌گرایی و دوره‌های رکود به مادی‌گرایی می‌انجامد، و فرضیه اجتماعی شدن، دلالت بر وجود آثار بلندمدت نسلی دارد (اینگلهارت، ۲۰۰۰: ۲۲۱). اینگلهارت معتقد است که در اثر توسعه اقتصادی در کشورهای پیشرفته صنعتی، تحول در ارزش‌های مادی انسانهای این جوامع رخ داده، به گونه‌ای که روند این تحول، حرکت از ارزش‌های مادی به ارزش‌های فرامادی را نشان می‌دهد. طبق یافته‌های وی در دهه‌های پس از جنگ جهانی دوم پیدایش سطوح بی سابقه‌ای از رفاه، به همراه سطوح نسبتاً بالای امنیت اجتماعی که توسط دولت رفاه عمومی

فراهم آمد به کاهش شایع آسیب پذیری کمک کرد. افزایش احساس امنیت، نیاز به هنجارهای مطلق را کم رنگ می‌کند. افراد تحت فشارهای روانی نیاز به مقررات قابل پیش بینی و خشک دارند. آن‌ها نیاز به آن دارند که از آنچه روی می‌دهد اطمینان حاصل کنند زیرا در خطر هستند- فاصله شان تا خطا کم است و آن‌ها نیاز به حداکثر امکان پیش بینی دارند. فرامادیون بازتاب پدیده معکوسی هستند: در اوضاع نسبتاً امن و بی خطر شخص می‌تواند تنوع و اختلاف بیشتری را تحمل کند. در صورتی که شما تحت فشار باشید آسیب روانی انحراف از هنجارهایی که با آن بزرگ شدید‌اید سخت‌تر از آن زمانی است که احساس امنیت می‌کنید. از هم گسیختگی دنیای فرد و بازسازی آن از لحاظ روانشناسی به هر صورت اضطراب آور است. اما اشخاصی که از سطح نسبتاً بالای امنیت برخوردارند (فرامادیون) انحراف از الگوهای خانوادگی را آسانتر از اشخاصی که درباره نیازهای طبیعی پایه، احساس اضطراب دارند می‌پذیرند (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۲۰۱). بنا به تعبیر اینگلهارت، فرامادیون کسانی هستند که در دوران شکل‌گیری شخصیت شان، دارای امنیت سازنده بودند یعنی دارای امنیت جانی و اقتصادی. این افراد کسانی هستند که که اولویت‌های ارزشی شان فرامادی بوده است چرا که امنیت جانی و مالی را مسلم فرض کرده‌اند. بنابراین یک دسته نیازهای دیگر برای آن‌ها مطرح می‌شود. نیازهایی چون خودشکوفایی و عشق و دلبستگی که نیازهای سطح بالا هستند. آن‌ها کسانی هستند که به انتخاب انسانی اهمیت بسیار زیادی می‌دهند. ولی مادی‌گرایان افرادی هستند که به دلیل نداشتن احساس امنیت سازنده ناشی از دوران شکل‌گیری شخصیت شان و وضعیت اقتصادی فعلی دارای اولویت‌های مادی‌گرایانه هستند این افراد بیشتر بر امنیت اقتصادی و جانی تاکید دارند همین امر منجر به جهت‌گیری‌های بسیار متفاوت مادیون و فرامادیون نسبت به بسیاری از مسائل اجتماعی از جمله ازدواج میشود و نگرش‌های آن‌ها را نسبت به بسیاری از هنجارهای سنتی و جنسیتی مانند روابط جنسی نامشروع، فحشا، سقط جنین و طلاق و..... متفاوت می‌کند. به منزله یک تعمیم گسترده، می‌توان انتظار داشت مادیون بسیار بیشتر از فرامادیون از هنجارهای سنتی حمایت می‌کنند (اینگلهارت و دیگران، ۲۰۰۴: ۱۱).

با عنایت به چهارچوب نظری اینگلهارت و شرایط اقتصادی - اجتماعی ایران به طور عام و استان کهگیلویه و بویراحمد به طور خاص، مانند رشد و توسعه اقتصادی و تکنولوژیک، افزایش سطح تحصیلات، گسترش شهرنشینی، توسعه ارتباطات و حوادثی چون انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷، و بروز جنگ تحمیلی ۸ ساله، پیش‌بینی می‌شود با توجه به گامهایی که این استان در مسیر توسعه برداشته است جهت‌گیری ارزشی در استان کهگیلویه و بویراحمد از ارزش‌های مادی به سمت ارزش‌های فرامادی تغییر کرده باشد. همچنین با توجه به اینکه نتایج مطالعات انجام گرفته در زمینه تغییرات ارزشی در ایران نشان داد که ایران به لحاظ سنخ ارزشی در مسیر حرکت از ارزش‌های مادی به ارزش‌های فرامادی بوده یا به عبارتی اکثریت مردم ایران به لحاظ سنخ ارزشی در سنخ التقاطی قرار می‌گیرد (آزادارمکی؛ ۱۳۸۲، معدنی و خسروانی؛ ۱۳۹۰، رنگین کمان؛ ۱۳۸۶). بنابراین پیش‌بینی می‌شود این تحول ارزش‌ها، نقش تعیین‌کننده‌ای را در تبیین تغییرات سن ازدواج در استان کهگیلویه و بویراحمد بازی کند.

روش شناسی

این پژوهش مبتنی بر پارادایم اثبات‌گرایی و رهیافت کمی است که از روش پیمایش که یکی از مناسب‌ترین روش‌های تحقیق در مطالعات کمی است پیروی کرده است. جامعه آماری در این پژوهش افراد در شرف ازدواجی می‌باشد که در فصل بهار سال ۱۳۹۴، جهت انجام آزمایشات پزشکی قبل از ازدواج به مراکز بهداشتی-درمانی در سطح استان کهگیلویه و بویراحمد مراجعه کردند. روش نمونه‌گیری در این مطالعه، نمونه‌گیری در دسترس می‌باشد. نمونه آماری شامل ۴۰۰ نفر (۲۰۰ مرد و ۲۰۰ زن) از مراجعه‌کنندگان به مراکز بهداشتی در سطح استان است که از زوج‌هایی که به این مراکز اقدام می‌نمودند به طور تصادفی به زوجین مراجعه، و به منظور جلوگیری از همپوشانی در داده‌های جمع‌آوری شده از هر زوج، به صورت یک در میان فقط به یک نفر از آن‌ها (زن یا مرد) مراجعه کرده و به جمع‌آوری داده‌ها اقدام شد. ابزار جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش پرسشنامه است. در این پژوهش، متغیرهای مستقل شامل؛ متغیر جهت‌گیری ارزشی، سطح تحصیلات، محل سکونت (شهری یا روستایی بودن)، پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده فرد و وضعیت اشتغال می‌باشد و متغیر وابسته در این تحقیق، زمان‌بندی

ازدواج یا همان سن ازدواج است. در این پرسشنامه، اکثر متغیرهای تحقیق از طریق یک گویه یا سوال سنجیده شده‌اند و فقط دو متغیر وضعیت اقتصادی - اجتماعی خانواده و جهت‌گیری ارزشی از طریق مجموعه گویه‌ها یا شاخص سنجیده شده‌اند.

جدول ۳. تعیین حجم نمونه براساس جمعیت تابعه مراکز بهداشتی استان کهگیلویه و بویراحمد

شهرستان	جمعیت به تفکیک شهرستان	مراکز بهداشتی	جمعیت تابعه مراکز بهداشتی	تعداد نمونه
بویراحمد	۲۴۳۷۷۱	بویراحمد	۲۹۵۸۱۱	۱۸۰
دنا	۵۲۰۴۰			
بهمئی	۳۷۰۴۸	کهگیلویه	۲۲۲۹۰۲	۱۳۶
چرام	۳۲۱۵۹			
کهگیلویه	۱۵۳۶۹۵			
باشت	۲۰۶۶۹	گچساران	۱۳۹۸۸۶	۸۴
گچساران	۱۱۹۲۱۷			
کل	۶۵۸۵۹۹		۶۵۸۵۹۹	۴۰۰

* در سرشماری ۹۰، جمعیت شهرستان لنده، با جمعیت شهرستان کهگیلویه لحاظ شده است.

برای اندازه‌گیری اولویت‌های ارزشی مادی و فرامادی، اینگلهارت سنجه دوازده ارزشی خود را ارائه می‌کند شکل و ساختار سنجه اینگلهارت که در تحقیق حاضر مورد استفاده قرار می‌گیرد در شکل زیر آمده است:

جدول ۴. شکل و ساختار سنجه اولویت‌های ارزشی مادی و فرامادی اینگلهارت

ارزش‌های مادی	ارزش‌های فرامادی
۱- حفظ نظم در کشور	۱- اعطای حق بیشتر به مردم در تصمیم‌گیری‌های دولت
۲- مبارزه علیه افزایش قیمت‌ها	۲- دفاع از آزادی بیان
۳- حفظ آهنگ رشد سریع اقتصادی	۳- اعطای حق بیشتر به مردم در تصمیم‌گیری‌های مربوط به کار و اجتماعشان
۴- اطمینان از اینکه کشور نیروی دفاعی نیرومندی دارد	۴- کوشش در جهت زیباسازی شهرها
۵- حفظ اقتصاد با ثبات	۵- حرکت به سوی جامعه‌ای دوستانه‌تر و انسانی‌تر
۶- مبارزه با تبهکاری	۶- حرکت به سوی جامعه‌ای که ارزش‌اندیشه‌ها در آن بیشتر از پول است

بر همین مبنا، اینگلهارت افراد را به ۴ سنخ ارزشی تقسیم بندی کرده است، افرادی که خواسته‌های مادی را حداقل برای ۴ گزینه از پنج گزینه اولشان انتخاب می‌کنند مادی محسوب می‌شوند؛ آنهایی که خواسته‌های مادی را حداقل برای ۳ گزینه از پنج گزینه اولشان انتخاب می‌کنند التقاطی مادی محسوب می‌شوند؛ آنهایی که دو خواسته مادی را بر می‌گزینند التقاطی فرامادی و کسانی که تنها به یک خواسته مادی بیشترین اولویت را میدهند و یا به هیچ یک از خواسته‌های مادی، اولویت را نمی‌دهند فرامادی نامیده می‌شوند (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۱۸۶).

شاخص موقعیت اقتصادی - اجتماعی خانواده از طریق میزان درآمد خانواده و سطح تحصیلات پدر و مادر سنجیده شده است یعنی از طریق این سه گویه شاخصی با وزن مساوی به نام پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده ساخته می‌شود. پایایی شاخص جهت‌گیری ارزشی توسط اینگلهارت قبلاً مورد تایید قرار گرفته است برای سنجش اعتبار ابزار سنجش از اعتبار صوری استفاده شد. بدین شکل که سوالات پرسشنامه به چند تن از اساتید و صاحب نظران برای داوری ارائه شد. برای تعیین پایایی ابزار جمع آوری اطلاعات (پرسشنامه)، از روش ضریب آلفای کرونباخ، استفاده شد.

یافته‌ها

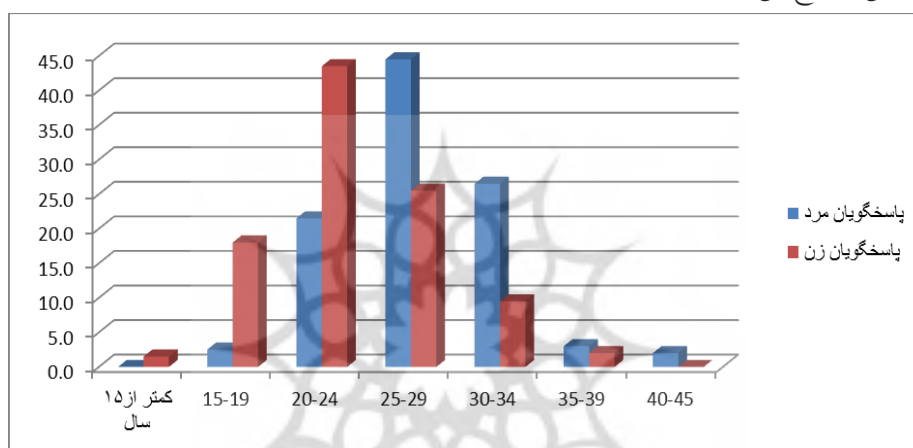
مشخصه‌های نمونه مورد بررسی در جدول ۵ آورده شده است که نشان می‌دهند میزان شهرنشینی در بین پاسخگویان مرد و زن به ترتیب ۶۵ و ۶۲ درصد می‌باشد. این آمار بالای شهرنشینی، یکی از نشانه‌های وقوع نوسازی در جامعه مورد مطالعه است. نتایج همچنین نشان می‌دهد بیش از نیمی از پاسخگویان در خانواده‌هایی بزرگ شده‌اند که دارای موقعیت اقتصادی - اجتماعی پایینی هستند. موقعیت اقتصادی - اجتماعی خانواده هر فرد با میزان تحصیلات و درآمد والدین سنجیده شده است. در این بررسی حدود ۴۰ درصد مردان و ۱۷ درصد زنان دارای شغل می‌باشند.

جدول ۵. توزیع پاسخگویان بر اساس متغیرهای تحقیق (مشخصات نمونه)

زن		مرد		پاسخگو		متغیر
۶۲٫۰	۱۲۴	۶۵٫۰	۱۳۰	شهری	محل سکونت	
۳۸٫۰	۷۶	۳۵٫۰	۷۰	روستایی		
۵۳٫۰	۱۰۶	۵۹٫۰	۱۱۸	پایین	پایگاه اجتماعی-اقتصادی	
۴۴٫۰	۸۸	۳۸٫۰	۷۶	متوسط		
۳٫۰	۶	۳٫۰	۶	بالا		
۱۷٫۰	۳۴	۴۰٫۵	۸۱	شاغل	وضعیت اشتغال	
۸۳٫۰	۱۶۶	۵۹٫۵	۱۱۹	غیر شاغل		
۲۱٫۰	۴۲	۲۱٫۰	۴۲	زیر دیپلم	سطح تحصیلات	
۲۷٫۰	۵۴	۱۸٫۵	۳۷	دیپلم		
۵۲	۱۰۴	۶۰٫۵	۱۲۱	دانشگاهی		
۳۰٫۰	۶۰	۲۴٫۰	۴۸	مادی محض	جهت‌گیری ارزشی	
۳۶٫۵	۷۳	۳۴٫۰	۶۸	التقاطی مادی		
۲۶٫۰	۵۲	۲۸٫۵	۵۷	التقاطی فرامادی		
۷٫۵	۱۵	۱۳٫۵	۲۷	فرامادی محض		

یافته‌ها علاوه بر همگانی شدن تحصیلات، گسترش تحصیلات عالی و دانشگاهی را نیز در بین دو جنس نشان می‌دهد طبق نتایج، حدود ۶۰ درصد مردان و ۵۰ درصد زنان پاسخگو، دارای تحصیلات دانشگاهی هستند. یافته‌ها همچنین نشان می‌دهد اکثر پاسخگویان به لحاظ جهت‌گیری ارزشی، دارای جهت‌گیری ارزشی التقاطی هستند. با جمع کردن فراوانی‌های مربوط به جهت‌گیری‌های ارزشی التقاطی مادی و التقاطی فرامادی، می‌بینیم که بیش از ۶۰ درصد پاسخگویان به لحاظ طیف ارزشی مادی- فرامادی، التقاطی هستند. تفاوت زنان و مردان، در جهت‌گیری‌های ارزشی التقاطی خیلی کم و در دو سنخ مادی محض و فرامادی محض نمایان‌تر است. بدین شکل که درصد مادی‌گرایی در بین زنان بیشتر از مردان و بر عکس، درصد

فرامادی‌گرایی در بین مردان بیشتر است. نمودار ۱ که نشان دهنده توزیع پاسخگویان براساس متغیر وابسته تحقیق است گویای آن هست که مردان بیشتر در بازه سنی ۲۹-۲۵ سال ازدواج می‌کنند و فقط ۲,۵ درصد آنها در سنین کمتر از ۲۰ سال ازدواج می‌کنند اما بیشترین ازدواج زنان در بازه سنی ۲۰-۲۴ سال اتفاق می‌افتد و حدود ۲۰ درصد زنان در سنین کمتر از ۲۰ سالگی ازدواج می‌کنند.



نمودار ۱. توزیع پاسخگویان براساس سن ازدواج و به تفکیک جنس

نتایج تحلیل دومتغیره که در جدول ۶ آمده است نشان می‌دهد که با توجه به سطح معناداری F آزمون ($Sig=0,000$)، رابطه بین میانگین سن ازدواج و جهت‌گیری ارزشی در سطح ۹۹ درصد هم برای زنان و هم برای مردان معنادار است. میانگین سن ازدواج مردان در بین ۴ گروه ارزشی مادی محض، التقاطی مادی، التقاطی فرامادی و فرامادی محض به ترتیب ۲۵,۱، ۲۶,۷۵، ۲۸,۷۲ و ۳۱,۵۲ سال و برای زنان به همین ترتیب ۲۲,۲، ۲۲,۲۹، ۲۴,۹۰ و ۲۸,۸۷ سال بوده است. در بررسی رابطه سن ازدواج و میزان تحصیلات نتایج نشان می‌دهد که میانگین سن ازدواج برای مردان و زنان زیر دیپلم به ترتیب ۲۶,۳۱ و ۲۰,۵۲ بوده است در حالی که این میانگین برای مردان و زنان دانشگاهی ۲۷,۹۷ و ۲۵,۴۹ بوده است.

جدول ۶. آزمون تفاوت میانگین سن ازدواج بر اساس متغیرهای تحقیق (تحلیل دو متغیره)

زن		مرد		طبقات متغیرها	متغیرها
تعداد	میانگین	تعداد	میانگین		
۶۰	۲۲,۲۳	۴۸	۲۵,۱۳	مادی محض	جهت‌گیری ارزشی
۷۳	۲۲,۲۹	۶۸	۲۶,۷۵	التقاطی مادی	
۵۲	۲۴,۹۰	۵۷	۲۸,۷۲	التقاطی فرامادی	
۱۵	۲۸,۸۷	۲۷	۳۱,۵۲	فرامادی محض	
Sig=۰,۰۰۰ F=۱۳,۴۶۰		Sig= ۰,۰۰۰ F=۱۷,۷۵۴			
۴۲	۲۰,۵۲	۴۲	۲۶,۳۱	زیر دیپلم	تحصیلات
۵۴	۲۱,۸۷	۳۷	۲۷,۶۸	دیپلم	
۱۰۴	۲۵,۴۹	۱۲۱	۲۷,۹۷	تحصیلات دانشگاهی	
Sig=۰,۰۰۰ F=۲۷,۵۰۶		Sig= ۰,۱۰۹ F=۲,۲۳۹			
۱۰۶	۲۲,۲۵	۱۱۸	۲۷,۱۲	پایین	پایگاه اقتصادی- اجتماعی
۸۸	۲۴,۸۳	۷۶	۲۸,۲۰	متوسط	
۶	۲۴,۸۴	۶	۲۸,۳۳	بالا	
Sig=۰,۰۰۰ F=۸,۳۸۱		Sig=۰,۲۳۰ F=۱,۴۸۱			
۳۴	۲۷,۸۵	۸۱	۲۹,۰۷	شاغل	وضعیت اشتغال
۱۶۶	۲۲,۵۷	۱۱۹	۲۶,۵۴	غیر شاغل	
Sig= ۰,۰۰۰ T=۶,۷۱۰		Sig= ۰,۰۰۰ T=۴,۱۴۷			
۱۲۴	۲۴,۲۰	۱۳۰	۲۷,۸۲	شهر	محل سکونت
۷۶	۲۲,۲۸	۷۰	۲۷,۹	روستا	
Sig= ۰,۰۰۴ T= ۲,۹۱۴		Sig=۰,۲۶۱ T= ۱,۱۲۷			

همانطور که در جدول مشاهده می‌شود بین مردان دارای تحصیلات دانشگاهی و مردان دارای مدرک دیپلم، اختلاف چندانی به لحاظ میانگین سن ازدواج وجود ندارد اما بین زنان دارای تحصیلات دانشگاهی و زنان دارای مدرک دیپلم، اختلاف فاحشی وجود دارد. با توجه به

سطح معناداری آزمون F، این تفاوت میانگین‌ها برای مردان معنادار نبوده است چون سطح معناداری بیشتر از ۰,۰۵ بوده ولی برای زنان معنادار بوده است چرا که سطح معناداری F برابر با ۰,۰۰۰ است.

در بررسی رابطه سن ازدواج و وضعیت اقتصادی-اجتماعی می‌توان گفت که مردان و زنان طبقه اجتماعی پایین سن ازدواج کمتری نسبت به دیگر طبقات دارند و افراد طبقات بالا سن ازدواج بالاتری نسبت به دو طبقه دیگر دارند. این اختلاف میانگین در بین زنان نسبت به مردان مشهودتر است. چون سطح معناداری آزمون F برای رابطه دو متغیر در بین مردان بالای ۰,۰۵ است رابطه دو متغیر برای مردان معنادار نیست اما با اطمینان ۹۹ درصد می‌توان گفت که رابطه بین دو متغیر در بین زنان معنادار است.

با توجه به نتایج جدول و سطح معناداری آزمون T می‌توان گفت که بین وضعیت اشتغال و سن ازدواج پاسخگویان (هم مردان و هم زنان) رابطه معناداری وجود دارد بدین شکل که افراد شاغل، چه مردان و چه زنان، نسبت به افراد غیرشاغل در سنین بالاتری ازدواج می‌کنند. میانگین سن مردان و زنان شاغل به ترتیب ۲۹,۷ و ۲۷,۸۵ سال بوده، در حالی که این مقدار برای مردان و زنان غیرشاغل ۲۶,۵۴ و ۲۲,۵۷ می‌باشد. نتایج جدول و سطح معناداری آزمون T همچنین نشان می‌دهد که فرض تفاوت میانگین دو گروه شهری و روستایی برای زنان تایید ولی برای مردان رد می‌شود. به عبارت دیگر تفاوت چندانی بین میانگین دو گروه مردان روستایی و شهری وجود ندارد. ولی میانگین سن ازدواج زنان شهری و روستایی با هم متفاوت می‌باشد که به طور متوسط زنان شهری ۲ سال دیرتر از زنان روستایی ازدواج می‌کنند.

در تحلیل دومتغیره به بررسی رابطه ۵ متغیر مستقل (میزان تحصیلات، وضعیت اشتغال، محل سکونت، وضعیت اقتصادی-اجتماعی خانواده و جهت‌گیری ارزشی) با متغیر سن ازدواج پرداخته شد. در این بخش درصد هستیم با کنترل اثر سایر متغیرها، تاثیر مستقل هر یک از متغیرها را بر سن ازدواج بسنجیم. در جدول ۷، اثر مستقل هر یک از این متغیرها آمده است. برای پاسخگویان مرد با توجه به نتایج این جدول، متغیرهای تحصیلات، محل سکونت، وضعیت اقتصادی-اجتماعی خانواده به طور مستقل تاثیر معناداری بر سن ازدواج ندارند و فقط دو متغیر وضعیت اشتغال و جهت‌گیری ارزشی اثر معنادار خود را با کنترل سایر متغیرها حفظ

کرده‌اند. بر اساس بناهای استاندارد می‌توان گفت که متغیر جهت‌گیری ارزشی دارای بیش‌ترین تاثیر بر سن ازدواج مردان می‌باشد. مقدار ضریب همبستگی (R) بین متغیرها ۰,۵۰۷ می‌باشد که نشان می‌دهد بین مجموعه متغیرهای مستقل و متغیر سن ازدواج رابطه همبستگی نسبتاً قوی وجود دارد. همچنین مقدار ضریب تعیین تعدیل شده ($Adj. R^2$) که برابر با ۰,۲۳۸ می‌باشد نشان می‌دهد که ۲۳,۸ درصد از کل تغییرات سن ازدواج مردان، وابسته به ۵ متغیر مستقل ذکر شده در این معادله می‌باشد. به عبارت دیگر، مجموعه متغیرهای مستقل نزدیک به یک چهارم واریانس سن ازدواج مردان را تبیین می‌کنند. با توجه به معناداری مقدار آزمون F (۱۳,۴۲۴) در سطح خطای کوچکتر از ۰,۰۱، می‌توان نتیجه گرفت که مدل رگرسیونی تحقیق مرکب از ۵ متغیر مستقل و یک متغیر وابسته (سن ازدواج) مدل خوبی بوده است و مجموعه متغیرهای مستقل قادرند تغییرات سن ازدواج مردان را تبیین کنند.

جدول ۷. اثر متغیرهای مستقل بر سن ازدواج با کنترل سایر متغیرها (تحلیل چند متغیره)

سطح معناداری	t	ضرایب استاندارد نشده		مدل	جنس
		Beta	Std.Error		
۰,۶۹۹	۰,۳۸۷	۰,۰۲۶	۰,۳۶۳	۰,۱۴۰	مرد
۰,۰۰۴	-۲,۹۱۲	-۰,۱۹۰	۰,۵۸۴	-۱,۷۰۲	
۰,۶۸۷	۰,۴۰۳	۰,۰۲۷	۰,۶۱۴	۰,۲۴۷	
۰,۲۱۰	۱,۲۵۸	۰,۰۸۳	۰,۵۲۸	۰,۶۶۴	
۰,۰۰۰	۶,۵۷۲	۰,۴۱۹	۰,۲۸۶	۱,۸۸۰	
sig= ۰,۰۰۰		F= ۱۳,۴۲۴			
R=۰,۵۰۷		R ² =۰,۲۵۷		Adj. R ² =۰,۲۳۸	
۰,۰۰۰	۴,۴۸۷	۰,۲۹۲	۰,۳۷۶	۱,۶۸۹	زن
۰,۰۰۰	-۴,۳۹۸	-۰,۲۷۵	۰,۷۶۸	۳,۳۷۸	
۰,۹۷۷	۰,۰۲۹	۰,۰۰۲	۰,۶۱۰	۰,۰۱۷	
۰,۳۵۹	۰,۹۲۰	۰,۰۶۱	۰,۵۵۰	۰,۵۰۶	
۰,۰۰۰	۴,۸۱۶	۰,۲۷۹	۰,۲۹۰	۱,۳۹۷	
sig= ۰,۰۰۰		F= ۲۲,۵۶۳			
R= ۰,۶۰۶		R ² = ۰,۳۶۸		Adj. R ² =۰,۳۵۱	

برای پاسخگویان زن با توجه به نتایج این جدول، متغیرهای محل سکونت، وضعیت اقتصادی- اجتماعی خانواده به طور مستقل تاثیر معناداری بر سن ازدواج ندارند ولی متغیرهای تحصیلات، وضعیت اشتغال و جهت‌گیری ارزشی اثر معنادار خود را با کنترل سایر متغیرها حفظ کرده‌اند. بر اساس نتایج استاندارد می‌توان گفت که متغیر تحصیلات دارای بیش‌ترین تاثیر بر سن ازدواج زنان می‌باشد. مقدار ضریب همبستگی (R) بین متغیرها $0,606$ می‌باشد که نشان می‌دهد بین مجموعه متغیرهای مستقل و متغیر سن ازدواج رابطه همبستگی بالایی وجود دارد. همچنین مقدار ضریب تعدیل شده ($Adj R^2$) که برابر با $0,351$ می‌باشد نشان می‌دهد که $35,1$ درصد از کل تغییرات سن ازدواج زنان، بواسطه این 5 متغیر تبیین می‌گردد. با توجه به معناداری مقدار آزمون $F(22,563)$ در سطح خطای کوچکتر از $0,01$ ، می‌توان نتیجه گرفت که مدل رگرسیونی تحقیق به خوبی داده‌ها را برازش می‌کند.

بحث و نتیجه‌گیری

تغییرات خانواده، در طی نیم قرن اخیر بیش از پیش مورد توجه محققان علوم اجتماعی در سطح ایران و جهان بوده است چرا که خانواده در جهان امروز بیش از گذشته و همراه با دیگر تغییرات گسترده اجتماعی، اقتصادی و تکنولوژیکی در معرض دگرگونی و تغییر قرار گرفته است. یکی از تغییرات مهم خانواده، تغییر الگوهای ازدواج به ویژه تغییر الگوی سنی ازدواج است. در بسیاری از جوامع، ازدواج شکل و معنای سنتی خود را از دست داده و اشکال جدیدی به خود گرفته است. با توجه به نقش تعیین کننده ازدواج در امر باروری به عنوان اصلی‌ترین مسئله جمعیتی ایران و همچنین ساختار جوان کشور، مطالعه تغییرات الگوهای ازدواج و عوامل تاثیرگذار بر آن در سیاست‌گذاری‌های کلان جامعه اهمیت ویژه‌ای دارد. در این مطالعه با استفاده از روش پیمایش به شیوه پرسشنامه و گردآوری اطلاعات از 400 مورد و چهارچوب نظری اینگلهارت، به نقش جهت‌گیری ارزش‌های مادی‌گرایانه و فرامادی‌گرایانه در تغییر زمان‌بندی ازدواج در استان کهگیلویه و بویر احمد پرداخته شده است.

یافته‌ها همانند نتایج مرکز آمار نشان می‌دهد که الگوی سنی ازدواج در جامعه مورد مطالعه تغییر قابل توجهی داشته است بدین شکل که میانگین سن ازدواج در بین مردان و زنان به

ترتیب به بیش از ۲۷ و ۲۳ سال رسیده است. نتایج همچنین نشان داد که ۶۲٫۵ درصد از پاسخگویان دارای جهت‌گیری ارزشی التقاطی و ۱۰٫۵ درصد دارای جهت‌گیری ارزشی صرفاً فرامادی و ۲۷ درصد دارای جهت‌گیری ارزشی صرفاً مادی هستند.

بررسی حاضر نشان می‌دهد بین سن ازدواج و جهت‌گیری ارزشی هم برای زنان و هم برای مردان رابطه معناداری وجود دارد. بدین شکل که هر چه از طرف افراد مادی‌گرا به سمت افراد فرامادی‌گرا برویم سن ازدواج افراد بالاتر می‌رود. براساس چارچوب نظری، فرامادی‌گراها نگرش و رفتارهای مدرن تری نسبت به مادی‌گراها دارند و کمتر از مادی‌گراها از هنجارهای سنتی پیروی میکنند. با توجه به این نظریه، انتظار می‌رفت که افراد فرامادی‌گرا سن ازدواج بالاتری داشته باشند که یافته‌های تحقیق گویای همین امر است. در بین متغیرهای زمینه‌ای برای زنان، هر چهار متغیر یعنی تحصیلات، وضعیت اشتغال، محل سکونت و وضعیت اقتصادی-اجتماعی رابطه معناداری با سن ازدواج دارند. ولی برای مردان، فقط متغیر وضعیت اشتغال دارای رابطه با سن ازدواج می‌باشد.

طبق نتایج، بین دو متغیر تحصیلات و سن ازدواج زنان رابطه مثبت و مستقیم مشاهده شد بدین شکل که سن ازدواج زنان با افزایش سطح تحصیلات بالا می‌رود. با توجه به اینکه تحصیلات، موجب مشارکت بیشتر زنان در امور بیرون از خانه و آگاهی از وضعیت خویش و تلاش برای نیل به بهبود آن در جهت نیل به موقعیتی همانند مردان شده است و در نتیجه منفعت حاصل از ازدواج را برای زنان کاهش می‌دهد تمایل به ازدواج زودرس را در زنان کاهش می‌دهد. نتایج مطالعات پیشین (مالهوترا و تاسی؛ ۱۹۹۶، تورنتون؛ ۲۰۰۶، فورمن؛ ۲۰۱۱، زهانگیر و همکاران؛ ۲۰۰۸، کاظمی و نیازی؛ ۱۳۸۹، زارعی؛ ۱۳۸۸، محمودیانی گیلان؛ ۱۳۹۲، حبیب پور و غفاری؛ ۱۳۹۰، سرایی؛ ۱۳۸۵). با این مطالعه همخوانی دارند. نتایج همچنین نشان دادند که شهرنشینی باعث بالا رفتن سن ازدواج زنان شده است. این یافته با مطالعات پیشین (میترا؛ ۲۰۰۴، زارعی؛ ۱۳۸۸، سرایی؛ ۱۳۸۵) همخوانی دارد. دو یافته بالا نیز مویده نظریه نوسازی است که تغییر الگوی سنی ازدواج را به تغییرات ساختی به جهت ظهور نیروهای اجتماعی چون شهرنشینی و آموزش همگانی مرتبط می‌سازد. طبق نتایج، با بهبود وضعیت اقتصادی-اجتماعی

خانواده، سن ازدواج زنان افزایش می‌یابد. به معنای دیگر افرادی که وضعیت اقتصادی اجتماعی خانواده شان خوب است کمتر گرایش به ازدواج زودرس دارند ولی افرادی که خانواده شان وضعیت اقتصادی و اجتماعی خوبی ندارند زودتر ازدواج میکنند. نتایج مطالعات پیشین (زهانگیر، ۲۰۰۸؛ بحیرایی، ۱۳۹۱؛ حسینی و گراوند، ۱۳۹۲) با این یافته همخوانی دارد. هم مردان و هم زنان شاغل، سن ازدواج بالاتری نسبت به افراد غیرشاغل دارند. با توجه به اینکه، لازمه اکثر مشاغل امروزی، آموزش و تحصیلات است. از یک طرف، طول سالهای تحصیل باعث به تاخیر افتادن سن ازدواج می‌شود و از طرف دیگر تحصیلات، آگاهی افراد را نسبت به مشکلات ازدواج زودرس بالا می‌برد. در مورد زنان نیز می‌توان گفت که اشتغال آنها منجر به استقلال و بهبود موقعیت شان میشود که خود از دلایل تاخیر ازدواج هستند. این یافته با نتایج تحقیقات پیشین (حسینی و گراوند ۱۳۹۲، محمودیانی گیلان ۱۳۹۲، بحیرایی ۱۳۹۱، زارعی ۱۳۸۸، زهانگیر و همکاران ۲۰۰۸، مالهوترا و تاسی ۱۹۹۶) همسو می‌باشد. نتایج تحلیل چند متغیره نشان میدهد که با کنترل متغیرها، برای زنان متغیرهای وضعیت اقتصادی-اجتماعی و محل سکونت معناداری خود را از دست دادند و متغیرهای تحصیلات و جهت‌گیری ارزشی و وضعیت اشتغال اثر معناداری بر سن ازدواج دارند ولی برای مردان، فقط متغیرهای جهت‌گیری ارزشی و وضعیت اشتغال دارای اثر معنادار بر سن ازدواج هستند.

در پایان و با بررسی هدف کلی تحقیق، می‌توان گفت علیرغم اینکه استان کهگیلویه و بویراحمد به لحاظ توسعه یافتگی، استانی کمتر توسعه یافته محسوب می‌شود ولی در چند دهه اخیر بخصوص بعد از انقلاب اسلامی، به لحاظ شاخص‌های توسعه یافتگی پیشرفت قابل ملاحظه‌ای داشته است که میزان شهرنشینی ۵۲٫۶ درصد و میزان باسوادی ۸۲ درصد بخشی از جهش این استان به سمت توسعه است، آمار بالای فارغ تحصیلات دانشگاهی و وجود ذخایر زیر زمینی و طبیعی از جمله نفت و گاز در شهرستانهای گچساران و بهمئی و همچنین رونق صنعت گردشگری در چند دهه اخیر باعث شده که استان کهگیلویه و بویراحمد گام‌های محکم تری در مسیر توسعه بردارد. مطابق با دیدگاه اینگلهارت، چنین جهشی به سمت توسعه، جهش به سمت فرامادی‌گری را به همراه داشته است که طبق یافته‌ها اکثریت افراد دارای جهت‌گیری ارزشی التقاطی می‌باشند که به عبارتی در جامعه مورد مطالعه، افراد به لحاظ جهت‌گیری ارزشی در

مرحله انتقال از ارزش‌های مادی به ارزش‌های فرامادی می‌باشند این یافته با مطالعات پیشین (تقی آزاد ارمکی؛ ۱۳۸۲، معدنی و خسروانی؛ ۱۳۹۰، رنگین کمان؛ ۱۳۸۶). همخوانی دارد. براساس چهارچوب نظری اینگلهارت و نتایج تحقیق می‌توان گفت تغییراتی که در نظام ارزشی نمونه مورد مطالعه که اکثراً نسل‌های بعد از انقلاب هستند بوجود آمده است بر زمان‌بندی ازدواج اثرگذار بوده است و یکی از دلایل تاخیر سن ازدواج در استان کهگیلویه و بویراحمد می‌باشد. نتایج نشان داد افرادی که به لحاظ ارزشی در سطح مادی قرار می‌گیرند گرایش بیشتری به ازدواج زودرس دارند اما هر چه از طرف افراد با جهت‌گیری ارزشی مادی به سمت افراد با جهت‌گیری ارزشی فرامادی برویم سن ازدواج بالا می‌رود. پیش‌بینی می‌شود با تغییر ارزش‌ها از التقاطی به ارزش‌های فرامادی، سن ازدواج در انطباق با توسعه و نوسازی و در نتیجه تغییرات ارزشی بیشتر از وضعیت موجود آن شود. قبل از اینکه مسئله تاخیر سن ازدواج، به بحران تبدیل شود سیاستگذاران، ضمن فراهم کردن شرایط ساختاری برای ازدواج جوانان بخصوص حل مشکل بیکاری آنها، باید به دنبال راهکارهایی جهت تغییر نگرش‌های منفی افراد نسبت به ازدواج، از جمله اینکه "ازدواج مانع خودشکوفایی و خود تحقق بخشی می‌شود" باشند.

منابع

- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳)، *تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی*، ترجمه مریم وتر، تهران: انتشارات کوبر.
- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۲). "طبیعت نظام ارزشی جامعه ایرانی: مادی، فرامادی یا تلفیقی"، *نامه پژوهش فرهنگی*، سال هشتم، شماره ۱۰، صص ۲-۱۵.
- بحیرایی، الهام (۱۳۹۱). "بررسی عوامل اجتماعی موثر بر افزایش سن ازدواج (مطالعه موردی دانشجویان دختر دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات سال ۱۳۹۰"، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- بهنام، جمشید (۱۳۸۴). "تحوالات خانواده: پویایی خانواده در حوزه های فرهنگی گوناگون"، ترجمه محمد جعفر پوینده، چاپ دوم، تهران: نشر ماهی.

- حبیب پور گتایی، کرم و غلامرضا غفاری (۱۳۹۰). "علل افزایش سن ازدواج دختران"، *زن در توسعه و سیاست*، دور نهم، شماره اول، صص ۳۴-۷.
- حسینی، حاتم و مریم گراوند (۱۳۹۲). "سنجش عوامل موثر بر شکاف رفتار و نگرش زنان به سن مناسب ازدواج در شهر کوهدشت"، *زن در توسعه و سیاست*، دوره ۱۱، شماره ۱، ۱۰۱-۱۱۸.
- رنگین کمان، امین (۱۳۸۶). "تحول فرهنگی ایرانیان: تطبیق انتقادی نظریه اینگلهارت"، *پژوهشنامه پژوهشکده تحقیقات استراتژیک*، شماره ۷؛ صص ۱۶۱-۱۹۶.
- زارعی، فائزه (۱۳۸۸). "بررسی تطبیقی سن ازدواج، نحوه انتخاب همسر و معیارهای همسرگزینی در شهر تهران: مطالعه موردی مناطق ۶ و ۱۲"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- سرایی، حسن (۱۳۸۵). "تداوم و تغییر خانواده در جریان گذار جمعیتی در ایران"، *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، سال یکم، شماره دوم، صص ۳۲-۴۹.
- سرایی، حسن و سجاد اوجاقلو (۱۳۹۲). "مطالعه نسلی تغییر ارزش ازدواج در ایران (مطالعه موردی زنان شهر زنجان)"، *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، سال پنجم، شماره چهارم، صص ۱۹-۴۱.
- عباسی شوازی، محمدجلال و رسول صادقی (۱۳۸۴). "قومیت و الگوهای ازدواج در ایران"، *پژوهش زنان*، دوره ۳، شماره ۱، صص ۲۵-۴۷.
- عباسی شوازی، محمدجلال و فاطمه ترابی (۱۳۸۵). "سطح روند و الگوی ازدواج خویشاوندی در ایران"، *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، شماره ۲، صص ۸۸-۶۱.
- کاظمی پور، شهلا (۱۳۸۴). "تحول سن ازدواج در ایران و عوامل جمعیتی موثر بر آن"، *پژوهش زنان*، شماره ۳، صص: ۲۷-۵۰.
- کاظمی، زهرا و صغری نیازی (۱۳۸۹). "بررسی تاثیر عوامل فرهنگی بر الگوی ازدواج"، *جامعه‌شناسی ایران*، دوره یازدهم، شماره ۲، صص: ۳-۲۳.
- کاظمی، زهرا (۱۳۸۹). "بررسی تاثیر آزمان‌گرایی توسعه‌ای بر شکاف بین نگرش‌های دختران و مادران آنها نسبت به ازدواج و خانواده"، *خانواده پژوهی*، سال ششم، شماره ۲۳، صص: ۳۰۰-۳۱۲.
- کنعانی، محمدامین (۱۳۸۵). "پیوند سنت و نوسازی در افزایش سن ازدواج: نمونه‌ی ایرانیان ترکمن"، *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، شماره ۱، صص: ۱۰۴-۱۲۶.
- محمودیان، حسین (۱۳۸۳). "سن ازدواج در حال افزایش: بررسی عوامل پشتیبان"، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۲۴، صص: ۲۷-۵۳.

- محمودیانی گیلانی، سراج (۱۳۹۲). "بررسی تطبیقی الگوهای ازدواج در بین زنان و مردان در شهر کرمانشاه"، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- معدنی، سعید و عباس خسروانی (۱۳۹۰). "عوامل موثر بر جهت گیری ارزشی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی اراک"، *مطالعات جامعه شناسی ایران*، سال اول، شماره سوم، صص: ۱۲۳-۱۴۳.
- Foreman, P. J. (2011), The Western European marriage pattern and economic development, *Explorations in Economic History*, 48: 292-309.
- Good .W.J,(1963), *World Revolution and Family Patterns*, New York: Free Press.
- Hamilton, G. and A. Siow.(2007), Class, Gender and Marriage, *Review of Economic Dynamics*, 10(4): 549-575.
- Inglehart, R. , Basanez, M., Dietz-Medrno,J., Halman,L., & Luijka,R. (2004), *Human Belifs and Values: A Cross Cultural Sourcebook on the 1999-2002 Value Surveys*. Buenos Aires, Argentina: Siglo Veintiuno Editores.
- Inglehart, R. (2000), "Globalization and Postmodern Values", *The Washington Quarterly*, 23(1): 215-222.
- Malhotra A., & A. O. Tusi (1996), "Marriage Timing in Seri Lanka: the Role of Modern Norms and Ideas", *Journal of Marriage and the Family*, 21(2): 476- 490.
- Minh, N.H. (1997). Age at first marriage in Vietnam: *patterns and determinants*. *Asia-Pacific Population Journal*, 12(2): 49-72.
- Mitra p.,(2004), " Effect of Socio-Economic Characteristics on Age at Marriage and Total fertility in Nepal" *Journal of Health and Population*, 22(1): 84-96.
- Palmore, J.A. (1983). The Country Effect: A Six Nation Overview of the Determinants of Nuptiality and Cumulative Fertility, in: United Nations: *Asian Population Studies Series*, 59:6-11.
- Smith, P. C. (1980). "Asian Marriage Patterns in Transition", *Journal of Family History*, 5(1): 58- 96
- Sundaram, A. (2005) *Modernization, Life Course, and Marriage Timing in Indonesia*. Ph.D. Dissertation, University of Maryland, College Park.
- Thornton, A. (2006), "The Influence of developmental Idealism on marriage: Evidence from Nepal" Population Studies Centre, University Of Michigan: Ann Arbor, Michigan 48106, <http://developmentaliidealism.org>
- Torabi F, & Baschieri A. (2010). Ethnic Differences in Transition to First Marriage in Iran: The Role of Marriage Market, Women's Socio-Economic Status, and Process of Development. *Demographic Research* 22(2): 29-62.
- Xenos, P. and S.A, Gultiano (1992). Trends in Female and Male Age at Marriage and Celibacy in Asia. Papers of the Program on Population, No. 120, Honolulu, Hawaii, East-West Center.
- Zahngir, M.S. & Karim, M.A & Zaman, M.R & Hussain, M.I (2008) "Determinats of Age at First Marriage of Rural Woman in Bangladesh: A Cohort Analysis" *Trends in Applied Science Research*, 3: 335- 343.